

# یاد یار

ادبارة سالروز درگذشت شادروان دکتر اسعدی



نویسنده: کامران قاتی

## تقدیم به استاد توانمند دکتر مهدی محقق

این وجیزه یاداری برای دوست ناکام استاد دکتر مرتضی اسعدی است، و اینجا که اگر میماند او نیز محقق بسیار بزرگی می‌شد آن را با آرزوی سلامت و طول عمر به استاد گرانقدر استاد دکتر مهدی محقق تقدیم می‌کنم.

برای من بسیار مشکل است که واضح به یار از دست رفته‌ای که خاطر پر مهرش، هرگز فراموش نمی‌شود، سخن بگویم.

شادروان دکتر مرتضی اسعدی در زندگی‌اش، بسیار ناسپاسی و حق‌ناشناسی دید. در حق او ظلم شد و قدرش را نشناختند. و این ظاهراً سرنوشت نویسندگان و هنرمندان و اهل علم این مملکت است که در شرایط سختی باید کار کنند. مقصود فقط شرایط سخت مادی نیست که بیشتر ذهن و زبان هر اهل قلمی را به خود مشغول کرده است بلکه شرایط سخت فرهنگی را می‌گویم. مشکلات زیادی وجود دارد که پس از غلبه کردن بر آنها (با اخذ گذشتگی و دشواری فراوان) تازه آنگاه قدرناشناسی و ناسپاسی به دنبال دارد که واقعاً کار تحقیق و پژوهش را در اینجا، به امر شهادت می‌رساند. این کار، فداکاری و ایثار بسیار می‌خواهد.

دکتر اسعدی یکی از نمونه‌های بارز این فداکاری و ایثار بود. من بیش از ۲۰ سال است که ایشان را می‌شناختم. از نخستین بار که شروع به کار ترجمه و نوشتن کرد، یکی از مشوقانش بودم. من در آن هنگام، چندین سال بود که وارد این ورطه ناپیدا شده بودم و می‌دانستم که چه مشکلاتی در مقابل هست. به خصوص اگر کسی بخواهد آغاز کند. ولی شور و هیجان و ذوق و علاقه و دقت نظری که داشت، این راه را برایش هموار می‌کرد. ولی مشکل اصلی که وجود داشت، این بود که قدر این کارها را کمتر می‌دانستند. شاید برای کسانی که زیاد رحمت نمی‌کشند،

قدرشناسی چیز مهمی نباشد، ولی برای کسانی که رحمت ربی برای کار خودشان می‌کشند و انتظار دارند که نتیجه کارشان، مورد قبول و پسند قرار بگیرد و دربارش صحبت شود، خیلی دردناک و سخت است که چنین چیزی را ببینند، به خصوص اگر حساس هم باشند. خیلی‌ها در این مورد، حساسیت کمی دارند و یا توجه زیادی به نظرات دیگران ندارند، ولی برای آتانی که چنین نیستند، خیلی مشکل است.

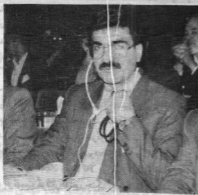
ولی علیرغم این همه دشواری، مرحوم اسعدی، به مراحل رسید که کارهای آخرش، نمونه بارزی از کار دقیق عالمانه و علمی بود. این سختگیری و سختکوشی، یکی از ویژگی‌های خاص دکتر اسعدی بود. می‌دانید که خیلی مهم است انسان در کار علم، اش، سختگیر، ا.ا. ولی ایشان در طی زندگی، درباره خودش هم خیلی سختگیر بود برای این که بتواند کار خودش را خوب انجام دهد و مشکل است که انسان بخواهد کارش، دقیق باشد.

به هرحال، روزگار فراموشی می‌آورد. آن چه که جاودان می‌ماند، آثار است و من سعی می‌کنم که به آثار ایشان بپردازم. به خصوص یکی از آثارش که کمتر معرفی شده است.

دکتر اسعدی، علیرغم عمر کوتاهش، کارنامه درخشانی داشت، و همین کارنامه برای شناخت زندگی پرپار فرهنگی او کافی است. علاقه بسیاری به تاریخ و سفرها داشت. نخستین اثرش، کتاب «در باره ژورنی (ژیمیاپوۀ فعلی) بود. ژورنی در آن سال‌های ۵۲ و ۵۵، خیلی مطرح بود، چو آنکه درگیر استقلال و مبارزات سیاهپوستان بود. و این کتاب ۴۰۰ صفحه‌ای را ترجمه کرد.

به دنبال آن، کتاب دیگری راجع به ITT ترجمه کرد. ITT شرکت مختاری امریکاست که یک شرکت چند ملیتی است. این کتاب، تحقیقاتی بود که سرگذشت درونی و داخلی این شرکت عظیم چند ملیباردی و دخالت‌های آن را در امور کشورهای دیگر، شرح می‌داد. شروع کارش در واقع از همین جا بود. بعدها این کار را ادامه داد و وارد حوزه تخصصی شد. دکتر اسعدی می‌دانست که در این دوره، انسان‌ها حتماً باید تخصص داشته باشند. یعنی دوره جامع الفنون بودن گذشته است و هر کس باید در حوزه‌ای تخصص داشته‌باشد. از آنجا که به تاریخ و جغرافیا (به ویژه در حوزه ایران و اسلام)، علاقه داشت، به این کار روی آورد و با اینکه درس علوم سیاسی خوانده بود، وقتش را یکسره صرف این کار کرد.

در این میان، مهمترین کارش، کتاب جهان اسلام است که بعد، به آن خواهیم پرداخت. در ایشان در دکتری که یکی از بهترین ترمهای است که نوشته شده است راجع به سیر مطالعات اسلامی در اروپا (از قرون وسطی تا دوره جدید) است. وی برای این تز کوتاه، هزاران صفحه یادداشت برداشته بود. مجموعه مقاله‌های وی هم خیلی متنوع بود. برای چند دایرة المعارف (از جمله دایرة المعارف شتیع) مقاله می‌نوشت. همانطور که گفتیم، دایرة المعارف عظیم جهان اسلام، مهمترین کار اوست. بیشتر وقتش را هم صرف تدوین و تألیف آن نمود. تاریخ نگاری به معنای واقعی آن، کاری است بس مشکل و به



شادروان دکتر مرعی اسعدی

اینکه به آثارهای درست دست باید، چه دشواری‌هایی می‌دید و برای سنجش و تطبیق این آثار با هم، دچار چه گرفتاری‌هایی می‌شد. ضبط اعلام، مشکل عظیمی بود. وی، منابع مختلف را کاوش می‌کرد تا اینکه سرانجام با کشف و ظهور، شیط و شلفظ دقیق، در آنها اسم را پیدا می‌کرد. واقعا کار جانکاهی بود و همان طور که گفتیم، این کتاب، شناخته نشده، شاید تنها یکی دو نقد و معرفی بر آن نوشته شده، از جمله مقاله‌ای است که بنده در سال ۶۶ در مجله «شهر دانش» نوشتم.

من در آن نقد او را با مقدسی مقایسه کردم. مستحبین اسعدی بن مقدسی، یکی از بزرگترین جغرافی‌نویسان جهان اسلام است. شاید هم به اعتقادی، بزرگترین آنها باشند. اهل بیت المقدس بوده و بنه حسین خاطر، نام مقدسی دارد، ولی اصلا ایرانی است. یعنی اجاده مادری او از ایران به شام و سپس به فلسطین رفتند. خودش هم در کتاب احسن التقاسیم، به این مسئله اشاره کرده که ریشه‌های مادریش، از بیارجمند شاهرود است. نویسندگان عرب و مستشرقین، مقدسی را یشاری گفته‌اند. در صورتی که درست آن، یباری است. بیار هم جایی نزدیک شاهرود است که زادگاه نرمان مقدسی است.

به هر حال، مقدسی یکی از بزرگترین کتابهای جهان اسلام را در جغرافیا به نام احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم نوشته است. و این کتاب پس از هزارسال کتابی دیگر نوشته شده که در واقع، ادامه کتاب مقدسی است. دکتر اسعدی به مقدسی خیلی علاقمند بود. به همین علت است که من در اینجا، راجع به او صحبت می‌کنم. چون آنها در واقع یک راه و می‌رفتند، با فاصله هزارسال. مقدسی پژوهشگری تیزبین و ژرف اندیش و نکته‌پاب بود. بر اساس مشاهدات و مستلعات و تجربه و تحلیلی عالمانه، مطلب می‌نوشت. نوآور بود. خود او می‌گوید:

و اندیشیدم دانشی را دنبال کنم که دیگران دنبال نکرده باشند.

به هنری دست یابم که کسی جز به طور عارضا، به آن دست نزنده باشد و آن، شناخت سرزمین‌های مسلمانان است.

این کار، همان کاری بود که پس از هزارسال، آقای اسعدی دنبال کرد و در پی آن بود. منابع شناخت مقدسی، از همه جا بیرون می‌آمد. خودش می‌گوید:

عنوان یک حرفه، به کمتر کسی می‌توان آن را توصیه کرد. نه فقط بدان جهت که به قول بعضی، حرفه‌ای جانگناه است، بلکه از آن رو که حرفه‌ای حسود است و اجازه نمی‌دهد که مورخ، به کار دیگری بپردازد. لازمه حرفه تاریخ نگاری، داشتن فریحه و استعداد و پیروی از شیوه و ضابطه علمی است و این شیوه، در دکتر اسعدی وجود داشت.

هستند کسانی که صرفاً بر فریحه خویش، اعتماد می‌کنند و غالباً در تاریخ نگاری، پیروی از شیوه و ضابطه خاص را حتی مبتذل می‌دانند. ولی البته با فریحه تنها، نمی‌توان به جایی رسید. آنچه که آن را ضابطه یا روش صحیح مطالعه تاریخی می‌خوانند، اهمیت اساسی دارد. فریحه بدون ضابطه، بیش از ضابطه بدون فریحه، به علم تاریخ، لطمه می‌زند. تاریخ کمتر از هر علم دیگر، فقدان روش و ضابطه را تحمل می‌کند. چرا که ماده این علم، به قدری در دسترس همگان است که به یک معنی، همه خود را مفسر و مورخ تاریخ می‌انند. شاید هیچ دانش دیگری بیش از تاریخ از کارهای تفتن (که در میان ما ایرانیان بسیارند)، لطمه ندیده باشد. همین نکته است که دکتر اسعدی را یا آن ذوق و فریحه سرشار، بر آن داشت تا اهمیت رعایت شیوه و ضابطه روش تحقیق را در تاریخ در زیاده و در آثار خود، به کار بندد و این همه، نیاز به دقت و احتیاط عالمانه در بررسی اسناد و منابع و در تحلیل و تفسیر معقول و منطقی آنها داشت. او این دقت و احتیاط را تا سرحد وسواس می‌کشاند و استعداد خارق العاده‌ای را که برای مطالعه دقیق اسناد و منابع داشت، با جرأت و قدرت کم‌نظیری، با استنتاج توأم می‌کرد. سهل انگار و سهل گیر نبود. با کنجکاوی و شوق بی‌مزال خویش، اسناد و منابع پراکنده را لگزشه و کنار به دست می‌آورد و آنها را با حوصله و دقت بسیار می‌سنجید و سرانجام این همه را با فریحه سرشار نویسنگی خود و زبان و بیانی رسا و شیوا، عرضه می‌کرد. نمونه بارز این شوق و شوق پژوهش و تحقیق را به بهترین وجه در کتاب جهان اسلام می‌توان دید.

جهان اسلام، همان طور که گفتیم دایره المعارف است راجع به کشورهای اسلامی. من سابقه‌ای از تاریخچه تألیف و تدوین این کار می‌دهم تا ببینیم کار چگونه شروع شد. در سالهای ۶۰ بود که دایره المعارف به زبان انگلیسی به نام دایره المعارف جهان سوم (Encyclopedia of the Third World) به چاپ رسید که نویسنده آن به نام جرج گوریان، معروف است. وی چندین دایره المعارف راجع به اقوام جهان نوشته است. در آن زمان من پیشنهاد کردم که این کتاب، به فارسی ترجمه شود و چون حشمت زیادبود، بهتر دیدیم که در درجه اول، فقط کشورهای اسلامی را از آن استخراج کنیم. آقای اسعدی هم با ذوق و شوق فراوان، این کار را پذیرفت و پس از مدت کوتاهی، به من گفت که ترجمه آن، اصلا صلاح نیست، چرا که منابع آن، خیلی محدود است و از موضوع، سوسری گذشته است. و از همان جا، کار ترجمه تبدیل شد به یک کار دقیق علمی تألیفی که سالها طول کشید. آن طرح اولیه، به کلی از زمین رفت و جانشین آن، طرح عظیم کتاب جهان اسلام شد. کسانی که از نزدیک با ایشان آشنا بودند، می‌دانستند که برای جمع آوری منابع کتاب که از ۲۰۰ افزون است و در آخر جلد اول و دوم چاپ شده، چه زحمتی کشید. چه مقدار پاداشت فراغت می‌کرد. برای

نخست، آنهايي را که دیده‌ام. دوم آنچه از دوستان شنیده‌ام، سوم آنچه در کتابهاي پيشينيان و جزآن، در اين باره يافتيم.»

مقدس سال‌ها رنج سفر و غم غربت را بر خود هموار کرد. قفيه و سروي و عابد و زاهد و تاجر و وزاق و صحاف و مؤذن و مذكر و كاتب شد. به گفته خودش:

«به گفته خودم، اذان گفتم. در مسجد، پيشنازي کردم. با صوفياني آشنا شدم، با خانقاهيان ترديد، با درويشان حلوها خوردم. چه شبها که از مسجد رانده شدم و چه سپايان‌ها که در نور ديدم. چه صحراها که در آن سرگردان گشتم. گهي پرهيزگار شدم و گاه حرام عيني خوردم. گهي بوده‌دار شدم و گاه، زيبلي بر سر نهادم، در راه، با فاسقان رستم، کالا در بازارها فروختم، به زندان افتادم، به همت گرفتار آمدم، جنگ روميان را در کشتها و زدن ناقوس را در شهيا ديدم. در مجلس داستان سويان و اندرزگران در آمدم، مرزا را گشتم و به شهرا آمدم. از مدعيها جستجو کردم. هوا را از خودم، آب را از وزن خودم، و باغ را از دهان سال مصروف کردم، ذلت غربت تحمل نمودم، ولي مجازو محال در کنار نياوردم و جز گفتار راستگويان، ياد نگردم.»

آري، چه شگفت آور بوده است جهان اسلام در روزگار او، با بيابان‌ها و درياها و رودخانه‌هايش، با شهرها و منزل‌ها و راه‌هايش، با داروها و بارهاي بازرگاني، با اختلاف مردم شهرهايش، با همه‌جا و سدها و ريسان‌ها و رنگها و آيين‌هايش، با آن ترزاوها و سکه‌ها و صرافت‌هايش، با خوسنها و بندي‌هايش، با عرمي و خشکي سرزمين‌هايش، و با هنر و دانش‌هاي مردمانش.

امروز که ياد و خاطره دکتر اسعدی را گرامس می‌داريم، کتاب **کراتقدر جهان اسلام** او را در مقابل داریم.

يادکرد، براي تفکرات حقيقي است که کمتر به آن توجه می‌شود. علم جغرافيا به راستی در روزگار ما بی‌مجهور و مظلوم است. اين سنت شريف، امروزه فراموش شده است. علم جغرافيا در روزگار مقدس، به شهادت کتاب او، منحصر به جغرافياي طبيعي نبود، موضوعات اجتماعي و اقتصادي و حتى ديني و مردم‌شناسي را در بر داشت. شناخت تمام جنبه‌ها و شئون زندگي بود. انوس که ما حتى تاريخ و جغرافياي کشور خود را هم نمی‌شناسيم. چه رسيد به کشورهای ديگر. هر کوششي که در شناخت اين راه انجام پذيرد، مشکور است و براي شناخت در روزگار ما، کتاب **جهان اسلام** دکتر اسعدی، در واقع نخستين کوششي است که در اين راه شده است. اين اثر پربار و جذاب و خواندني، پر اطلاع و روش‌مند که با دقت و صحت تمام، سيماي جهان اسلام را ترسيم می‌کند، شايسته و شايان هر گونه تجليل و تقدير است.

دکتر اسعدی در مقدمه کتاب جهان اسلام می‌نويسد:

**«اين کتاب، جلد اول از يک دوره هفت جلدی است که در آن، دینی المقدور، اطلاعات جامعی درباره شئون مختلف زندگی کشورهای اسلامی، ارائه خواهد شد. انگيزه اصلي گردآوری و تدوين اين مجموعه، اساساً آن بوده است که به قدر امکان، گوشه‌اي از جای خالی آثار اين دست را در ادبيات تخصصی**

زبان فارسی، پر کند و نیاز جامعه کتابخوان ایرانی را به شناخت هر چه دقيق‌تر و جامع‌تر کشورها که به برکت انقلاب اسلامی در سال‌هاي اخير، تشديد شده است، برآورد. اين کار به هر حال، نوعی دنباله‌گيري یک سنت ادبی پورسابقه، اما کمابيش منقطع و متوقف در ادبيات ایرانی و اسلامی است. در اين مجموعه، درباره قریب ۴۰ کشور مسلمان، اطلاعات نسبتاً وسيع و حتی الامکان دقيقی را در قالب یک الگوي متعارف آموزی، ارائه می‌دهيم.»

تأليف و تدوين کتاب جهان اسلام، چنان که گفتيم، اثری جامع و دقيق و برجسته و سرشار از اطلاعات و نکات باارزش است. اين اطلاعات را ابشان ذيل هر کشور در نه فصل آورده است.

جغرافياي طبيعي که شامل نژاد و تركيب اقوام نيز می‌شود. جغرافياي تاريخی، از قديمی‌ترين ايام تا روزگار ما. حکومت، اقتصاد، وضع آموزش و پرورش، ميزان بيسوادى، رسانه‌ها، مطبوعات، وضع فرهنگ جامعه و امور اجتماعي، از ديگر مباحث کتاب است.

اين کتاب... در اين است از وضع جمهوريان جهان اسلام، در دوران گذشته، با تکیه بر روزگار امروز. در آغاز هر فصل، اطلاعات شناسنامه‌اي تحت عنوان **ويک نگاه** دارد و در انتهای هر جلد، شرح اسوال مفصل برسته‌ترين رجال و سياستمداران تاريخی هر کشور را دارد که خود تأليف خنداگان‌اي است.

دکتر اسعدی با دقت نظر و قلم شيراز و رسا، سيماي از کشورهای اسلامی ترسيم کرده و تاريخ و فرهنگ آنها را از گذشته‌هاي در شان تا دوره‌هاي رکود و فساد و آنگاه، احياء و رستاخيز کنونی توصيف نموده است. از هرگونه بيان ارزش گذاري در بررسی اوضاع و احوال اين کشورها، به خصوص در جنبه‌هاي سياسي آن، پرهيز کرده و بی‌طرفی و بی‌نظري را که از مشخصات مهم هر کتاب فريحي است، مدنظر قرار داده است.

شايسته است به تصاویر اين کتاب، نیز اشاره کنیم که سرشار از فوق و هنر است؛ و سائر از کلمات، حال و هوای زندگي در اين سرزمين‌هاي دور و نزديک را بازي می‌نمايد. تصوير آن پيرمرد غمزه‌آوردی که به دور دست خيره شده و نمی‌داند که در غم ديروز يا اندیشه فراموش، گویی سراسر تاريخ اردن و زندگي دشوار اين سرزمين را منعکس می‌کند. و يا تصوير آن چهار کودک برونياي که کيفيش به اندازه فداشان، به پشت انداخته‌اند و راهی مدرسه هستند، سخن از آینده‌اي روشن می‌گویند. اين تصويها، خوبي زيبا هستند، من شاهد بودم که او برای به دست آوردن و اقتصاد اين تصويها، چه زحمت طاقت فرساي می‌کشد تا بتواند از بين صدها کتاب، اين تصاویر را انتخاب کرده و به کتاب، جنبه زندگي پر نشاطی را ببخشد. در مجموع، اطلاعات دقيق و جامع و مفيد از صدها کتاب و منبع عمومی تخصصی، در جهان اسلام، گردآوری و تلفيق شده است. اطلاعاتی که در هيچ منبع و مأخذ ديگري به زبان فارسی نيست و حتی چنگا به اين صورت، در هيچ زبان ديگري يافت نمی‌شود.

انوس که دکتر مرتضی اسعدی ديگر در زمان ما نيست و اينک، آرام در دل خاک تيره خفته است، ولی با پر مهر و کارنامه درخشان و پربارش، همچنان جاويد است.